

abbreviation	شکل کوتاه	junction	اتصال - پیوند
absolute	مطلق - کامل	lattice	شبکه
absolutely pure	کاملاً خالص	lead (n)	۱ - سرب ۲ - مغزی
absorb	جذب کردن	lead to	منجر شدن به
absorbent	جذب کننده - جاذب	leak	نشتی - نشت
abundance	فراوانی - کثرت	leak testing	تست نشت
acceleration	سرعت دهی - تسریع	leakage current	جریان نشتی یا تراوشی
acceptable cost	هزینه ی معقول یا قابل قبول	lifespan	طول عمر
acceptor	پذیرنده - گیرنده	lighten	روشن کردن
accessible	قابل دسترس	lighting	روشنایی
accessory	کمکی - یدکی - جانبی	lightning	رعدوبرق
accommodate	همراهی کردن - سکنی دادن - جادادن	limited	محدود
accomplish	موفق شدن - نائل شدن	linear system	سیستم خطی
accordingly	متعاقباً - در نتیجه	liquid-fueled	با سوخت مایع
accumulators	انباره - باتری انباری - مخزن	load	بار
accuracy	دقت	locate	قرار دادن - محل یابی کردن
achievable	دست یافتنی - انجام شدنی	logic gate	گیت منطقی
acoustic	صوتی	long-awaited	مدت ها مورد انتظار
acronym	حروف اختصاری اول کلمات	loop	مدار بسته یا حلقوی
activate	فعال کردن	loose	شل - رها - آزاد
activated	فعال شده	loss	افت - اتلاف - هدر رفت
actuated	راه اندازی شده	loss of quality	افت کیفیت
adjust	تنظیم کردن	lossless system	سیستم بدون اتلاف یا پر بازده
adjustable	قابل تنظیم	lost productivity	کاهش / افت بهره وری
advantage	مزیت	low sensing	تشخیص ضعیف
advent	شروع - ظهور - پیدایش	machinery	ماشین آلات
aerosol scattering	پراکندگی ذرات معلق در هوا	magneto resistive	مقاوم در برابر مغناطیس - نشان دادن مقاومت در شرایط مغناطیسی
aerospace	هوا فضا	magnetron	مغناطیسی الکترونیکی - مگنترون
affix	بستن - وصل کردن	magnitude	مقیاس - اندازه
aid	کمک (کردن)	maintain	نگهداری کردن - حفظ کردن
air ducts	مجاری هوا	maintenance	تعمیرات - نگهداری
air supply	ذخیره یا تامین هوا - منبع هوا	manipulate	کنترل کردن - دستکاری کردن
airborne	هوا برد - معلق در هوا	manufacture	تولید کردن
alarm state	وضعیت خطر یا هشدار	manufacturer	تولید کننده
alignment	چیدمان - آرایش	Maxwell's demon	آزمایش ماکسول
allowable	امکان پذیر - مجاز	measurement	اندازه گیری
allowable limits	محدودیت های مجاز - حداقل های مجاز	melting point	نقطه ذوب
alter	تغییر دادن - جابجا کردن	membrane	غشا - پرده
alternative	جایگزین - متناوب	merely	فقط - صرفاً

altitude	ارتفاع - بلندی	metal braid	نوار یا مغزی فلزی
amalgam bond	پیوند مرکب	metal rod	میله فلزی
ambient	محیطی - پیرامون	microminiaturization	کوچک سازی میکرونی
annular anode	آند حلقوی	military	نظامی
antepenultimate	سومی از آخر	minute /maɪ'nju:t/	بسیار کوچک
aperture	سوراخ	mismatch	ناهماهنگی
appliance	وسیله برقی	missile	موشک
application	کاربرد	mission	ماموریت - وظیفه
approach	نزدیک شدن - تقریب	mobilize	۱ - تجهیز کردن ۲ - به حرکت در آوردن
approximate	نزدیک شدن	moisture	رطوبت
approximately	تقریباً	molding	قالب ریزی
approximation	تقریب - نزدیکی	monitor (v)	کنترل کردن - نظارت کردن
apt to	مستعد	monolithic techniques	فنون یک پارچه
arc extinction	اطفاء جرقه یا قوس	motion	حرکت
armature inductance	ظرفیت القای مغناطیسی آرمیچر	mount on	نصب کردن روی
array	مرتب کردن - چیدمان	moving parts	قطعات متحرک
artificial intelligence	هوش مصنوعی	multimode	چند وضعیتی
assemble on	مونتاژ کردن - سوراخ کردن	multiple operation	عملکرد چندگانه
assembly	۱ - مونتاژ ۲ - دستگاه	multiply	تکثیر کردن - ضرب کردن (اعداد)
associated with	مرتبط با - همراه با	multitasking	چند وظیفه ای
astronauts	فضا نوردان	multitude	تعداد زیاد
attenuation	میرایی ، تضعیف	municipal suppliers	تامین / تهیه کنندگان داخلی / شهری
audible	قابل شنیدن	Mylar	لایه ی پولیاستری (مقاوم در برابر گرما)
authorization	مجوز - اجازه	narrow	باریک - محدود
automated manufacturing	تولید خودکار (بدون دخالت انسان)	narrow beam	پرتو باریک
auxiliary	کمکی - جانبی	natural process	فرایند طبیعی
back-facet monitor	نمایشگر نصب شده در عقب	navigation	مسیر یابی
backup (battery)	ذخیره - پشتیبان	neighbor	مجاور - همسایه
bandwidth	اعضای باند	neighboring atoms	اتم های مجاور
bare	لخت - بدون روکش	neutral	خنثی
bare live wire	سیم لخت برق دار	neutralize	خنثی کردن
baseband amplitude response	پاسخ دامنه باند پایه	node	گره - محل انشعاب
beam	پرتو - اشعه	notation	۱ - مفهوم ۲ - نماد
behave	عمل کردن	nozzle	دهانه - نازل - خروجی لوله
belt tension	کشش تسمه	nuclei/nucleuses	هسته ها
beneficial	مفید - سودمند	nucleus	هسته
bi-clad	دارای روکش دویل	null	خنثی
bi-directional	دوطرف - دوجویی	obey	پیروی کردن
bipolar	دوقطبی	obstacle	مانع
blender	مخلوط کن	offset	جبرانی - تعادل
blind (the)	نابینایان	offset voltage	ولتاژ جبرانی
blink	چشمک زدن	on purpose	عمدی
block	قطعه	on-board	نصب شده روی مدار -

blow (fuse) blower	سوختن	opaque	سوار
bond with	دمنده - پنکه	operation	مات
boost	پیوند خوردن با	operational	عملکرد
bound (bind)	افزایش دادن - افزایش	opposite sign	عملی - کاری
branching	پیوسته - ملحق شده	optimization	علامت مخالف
breakdown	منشعب - شاخه ای	optimize	بهینه سازی
breaker points	خرابی	option	بهینه سازی کردن
brightness	نقاط قطع شونده	outlet	انتخاب - گزینه
bring about	روشنایی	overall efficiency	پریز
broad band	باعث...شدن	overexposure	اثر بخشی کلی
brush	۱- باند عریض ۲- پهنای عریض	overlap	تماس بیش از حد
bubble memory	۱- برس ۲- جاروبک ۳- ذغال دینام	parallel	هم پوشانی داشتن
buck	حافظه حیابی یا اسفنجی	particle	موازی
buffer	کاهنده	particulate	ذره
build up	بافر	pass through	دارای ذرات ریز
built-in	انباشت - تجمع	passage	عبور کردن از
building block	داخلی - درون	pass-band	راه - مسیر
bulkiness	جزء یا قطعه سازنده	passive elements	باند عبور
bulky	بزرگی - تنومندی	passive motion detector	اجزای غیر فعال
buoy	حجیم - جاگیر	patent owner	آشکار ساز حرکتی ساکن
calculations	جسم شناور (به عنوان راهنما) - بویی	path	صاحب امتیاز
calibrate	محاسبات	peak	راه - مسیر
cap	درجه بندی کردن - کالیبره کردن	peak power	اوج
capable of	درپوش	penultimate	توان حداکثر
capacitate	مستعد - توانا	performance	یکی به آخر مانده - از آخر دومی
capacitive	توانمند ساختن	permanent	عملکرد - اجرا
capacitor	خازنی	perpendicular	پایدار - ماندگار
capacity	خازن	phased-array radar (161)	عمود - قائم
carry	ظرفیت	phenomenal (very great)	جابجایی فاز با نول
cavity	حمل کردن - منتقل کردن	phenomenon	رادار دارای جریان مرحله به مرحله شده
cellular	حفره	phosphor dot	فوق العاده - شگفت انگیز
cellular phone	بی سیم	photo-excited electron	پدیده
certain load	تلفن موبایل یا همراه	photosensitivity	نقطه فسفری
chopped	بار مشخص یا معین	pick up	الکترون تحریک شده با نور
chopper	قطعه قطعه - متناوب شده	ping	حساسیت به نور
choppy	مدار یا کلید قطع کننده	pioneer	جذب کردن
circuitry	موج دار - متغیر - پر موج	plant side power supply	صدای غرغر
circumstance (s)	شبکه مداری - مدار بندی	plastic enclosures	اختراع کردن - پیشرو بودن
circumvent	وضعیت	plate	منبع انرژی ثانوی نیروگاه
	اجتناب کردن - دورزدن		محفظه های پلاستیکی صفحه - روش

cladding clay closely packed	روکش کاری - آب کاری	plated	روکش شده
	گل رس - سفال	plentiful	فراوان - به وفور
	محکم بسته شده	plenum	محفظه دارای فشار هوا
coefficient	ضریب	point out	نشان دادن - متذکر شدن
collision	برخورد - تصادم	porous matrix	شبکه سوراخ دار یا پر منفذ
combination	ترکیب	portable	قابل حمل
commercial	تجاری	portion	قسمت - بخش
common	معمول - رایج - مشترک	position-sensitive	حساس به موقعیت
commutator	کمو تاتور - رسانگر برقی	power consumption	مصرف انرژی
compact	فشرده - کوچک	power grid	شبکه برق
comparator	دستگاه سنجش	practitioner	پیشگام - مخترع
compass	قطب نما	preceding	قبلی - سابق
compatibility	سازگاری	precise	دقیق
compensate	جبران کردن	precision	دقت
complementary	کامل کننده - مکمل	predetermined	از پیش تعیین شده
complex variable	متغیر مرکب	premium	ممتاز، مرغوب
component (n) (adj)	جزء - مولفه - سازنده	preservation	نگهداری - محافظت
composed of	تشکیل شده از	prevalent	رایج - متداول
compressed	فشرده	prevent	بازداشتن - خوداری کردن
comprise	تشکیل شدن از - شامل شدن	previously	سابقاً - قبلاً
computational	محاسباتی - کامپیوتری	primary function	وظیفه / کاربرد اصلی
concave	مقعر	prime	اصلی - مهم - اولیه
conceive	تصور کردن	prime cause	علت اصلی
concentrator	تصفیه کننده - غلظت دهنده	primitive	ابتدایی - اولیه
conclusive results	نتایج قطعی	principle	اصل - قانون
condenser	خازن - چگالنده - سردکننده	prior to	قبل از
conditioning	تنظیم - شرطی سازی	private power	برق اختصاصی / شخصی
conductance	رسانایی - هدایت - ضریب رسانش	probability	احتمال - احتمالات
conductive	رسانا - هادی	process	فرایند
configuration	پیکره بندی - شکل	process	پردازش کردن
confined	محدود - محاصره شده	productivity	زایی - تولید
confirm	تائید کردن	progressive	تصاعدی - پیش رونده
confront	مواجه شدن - روبرو شدن	prohibitive	بازدارنده - گران قیمت
consecutively	پی در پی	project	پروژه - بیرون زدن
consequently	در نتیجه	properties	مشخصات - ویژگی ها
constant	ثابت - پایدار	property	مشخصه - ویژگی
constituent	جزء - مولفه - سازنده	proportional	متناسب - نسبی
constitute	تشکیل شدن از - تشکیل دادن	proportionate	متناسب - درخور
construct	ساختن	propulsion	رانش - نیروی محرکه
consumable	مصرفی - تمام شونده	protection	محافظت
consume	مصرف کردن	prototype	نمونه اصلی
consumer	مصرف کننده	prove	تائید کردن - ثابت کردن
consumer electronics	الکترونیک مصرف کننده (خانگی و اداری)	provided (that)	به شرط اینکه
consumerism	مصرف گرایی	provided the	به شرط اینکه

contemporary	معاصر - جدید	provisions	امکانات - تمهیدات
continental regions	مناطق قاره ای	pseudo	شبهه - شبیه
continuation	تداوم - ادامه	pulse compression	تراکم ضربه یا پالس
continuous	مداوم	purchase	خریدن
contribute	کمک کردن - مشارکت کردن	purchased	خریداری شده
control token	رمز / نشانه کنترل	pure	خالص
convection	انتقال - همرفت	pure conductor	رسانای خالص
convenient	راحت - مناسب	push back	پس زدن - عقب زدن
conventional	معمولی - سنتی - رایج	pyrometer	آذر سنج - وسیله سنجش حرارت بالا
convertibility	قابلیت تبدیل پذیری	quadratic	۱- درجه دوم ۲-مربعی
copper	مس	quantum process	فرایند کوانتومی
cordless	بی سیم	quote	نقل قول کردن
corona	کورونا (نوری که پیش از جرقه بین دو قوس الکتریکی تولید می شود)	rack mount	نصب چنگکی
corresponding to	مطابق با	radial sealing system	سیستم آب بندی شعاعی
cost-effective	مقرون به صرفه	radiation	تشعشع - تابش
counter logic	منطق شمارنده	rate	سرعت - میزان - مقدار
coupled	تزوید شده - جفت شده	ratio	نسبت
cracked bodies	بدنه های شکسته شده	ratio metric transmitter	فرستنده با نسبت متریک
crank-shaft rotation	دوران میل لنگ	razor	تیغ تراش - ریش تراش
credit	امتیاز - نمره - درجه - اعتبار	readout	خروجی قابل خواندن یا مشاهده
criterion (pl. criteria)	معیار - ملاک	reciprocal	معکوس
cross-linked	ارتباط متقاطع	recommend	توصیه کردن
crosstalk	انتقال ناخواسته سیگنال ها	recovery time	زمان احیا یا بازگشت
crude	خام - بی تجربه - ابتدایی - ناقص	rectangular	مستطیلی
cuk /chook/	مبدل چوک	reduce	کاهش دادن
currently	در حال حاضر	reduced cost	هزینه کاهش یافته
curve	خم - انحنا	reduced to practice	تبدیل شده
curved	منحنی - خم شده	refine	تصفیه کردن - اصلاح کردن
cybernetics	شناخت کاربردهای کامپیوتر و سازواره های الکترونیکی همانند آن	refinements	اصلاحات
damping forces	نیروهای میرایی	reflectance	ضریب بازتابش
data processing	پردازش داده ها	reflection	انعکاس - بازتابش
decline	کاهش دادن	reflectivity	بازتاب پذیری
definition (by)	(براساس) تعریف	refraction	انکسار - شکست
deflect	منحرف کردن یا شدن	refresh rate	سرعت بازسازی یا بازخوانی
defuse	براسا تعریف	regardless	صرف نظر از
degradation	خرابی - فساد	regeneration	نوزایی - احیاء
deliver	توزیع کردن ، پخش کردن ، تحويل دادن، ارائه دادن	regularization	تنظیم
density	چگالی - تراکم	relatively	تقریباً
depleted	تمام شده - تخلیه شده	relativity	نسبیت

deploy	به کار گرفتن	release	رها کردن - آزاد کردن
depth	عمق	reliability	اعتبار
designate	معین کردن	reliability assessment	ارزیابی اعتبار، اعتبار سنجی
designated mission	وظیفه مشخص شده	rely on	وابسته بودن به - متکی بودن به
designation code	کد معرف - کد وظیفه	remain constant	ثابت ماندن
desired function	عملکرد مورد نظر	render	ارائه کردن
desired pathway	مسیر مورد نظر	repel	دفع کردن - راندن
despite	علی رغم	repetitively	به طور مکرر
destination	مقصد	replace	جایگزین کردن - جابجا کردن
detect	آشکار سازی کردن - تشخیص دادن	representation	نمایش
device	وسیله	repulsion	دفع ، پس رانی
diagnostic instruments	ابزارهای تشخیصی	require	نیاز داشتن
diagram	دیاگرام	requirements	الزامات
diameter	قطر	reside	قرار گرفتن
diaphragm	دیافراگم	residential	مسکونی
dielectric	دی الکتریک	resilience	انعطاف پذیری - کش سانی
differential	تفاضلی	resist	مقاومت کردن
diffraction	شکست	resistance	مقاومت
digital domain	حوزه دیجیتال	resistivity	مقاومت ویژه
dimensions	ابعاد	resolve	حل کردن
diminishingly	به طور کاهنده	resonant frequency	فرکانس تشدید شونده (قوی)
dipstick	میله عمق سنج	responsive	پاسخ گو - حساس
discharge	تخلیه کردن - ترشح کردن - نشی	restrict	محدود کردن
disciplines	رشته های علمی	retransmission	ارسال مجدد
discovery	کشف	return path	مسیر بازگشت
discrete	متمایز - جدا	reveal	نشان دادن - آشکار کردن
discrete resistor	مقاومت گسسته	reverse	معکوس کردن - برعکس
dislodged	پرتاب کردن - خارج کردن	revolutionary	بنیادین - انقلابی
displace	جابجا کردن	revolutionary trend	رویکرد تحول آمیز
display	نمایش دادن	revolutionize	متحول کردن
dissipate	هدر دادن	revolve	چرخیدن
dissipation	اتلاف	right angle	زاویه قائم
distinctive	متمایز	ripple	نوسان - ریز موج - موج - لرزش
distinguish	تشخیص دادن - متمایز کردن	ripple malfunction	نقص فنی ناشی از نوسان ولتاژ
distortion	کژریختی ، از ریخت افتادگی	rising tone	آهنگ / تون فزاینده
distribution	توزیع	robustness	استحکام
disturb	(نظم چیزی را) از بین بردن ، نابسامان کردن	rotate	چرخیدن
divergent	متفاوت ، ناهمگون	roughness	ناهمواری - زبری
diverse	متنوع - گوناگون	rubber	لاستیک

divert domestic doughnut	منحرف کردن	rubies	زنگار- زنگ زدگی
	خانگی - داخلی	run down	ضعیف شدن
	حلقوی - کلوچه شکل	run on sth	راه اندازی شدن با چیزی
downtime	زمان خواب- زمان افت یا خرابی	safety clothing	لباس ایمنی
dragline	ماشین خاک برداری	saturation	اشباع
drain	جریان کشیدن - تخلیه کردن	save	ذخیره کردن
dramatic	عالی - تاثیر گذار	saw	اره
draw	دریافت کردن - کشیدن از - بار خروجی	scale	مقیاس
draw from	کشیدن از	schematic representation	نمایش شماتیک (الگووار)
draw up	طراحی کردن - ترسیم کردن	scheme	طرح
drawback	نقص - ضعف	scope	حوزه - میدان
dredge	لارویی کردن	screw driver	پیچ گوشتی
drift	کاهش - افت	secure	محکم کردن - ایمن کردن - ایمن
drive sth ahead	به پیش راندن - به حرکت در آوردن	segment	بخش - قسمت
drop	افت - کاهش	seismologist	زلزله نگار یا زلزله شناس
due to	به علت	self-discharge	خود نشت / تخلیه
duration	طول مدت	semiautomatic	نیمه اتوماتیک
dust-free	ضد غبار - نفوذ ناپذیر	semiconductor separate elements	المان های مجزای نیمه هادی
duty cycle	چرخه کاری	sensing face	طرف حس گر
dwarf star	ستاره کوتوله / کم نور	sensorless	بدون سنسور
dye	رنگ زدن - رنگ	sequentially	به ترتیب
dynamic	پویا	series wound	سیم پیچ سری
economic incentive	انگیزه اقتصادی	severely limited	به شدت محدود شده
eddy currents	جریان های گردابی یا فوکو	shaver	ریش تراش برقی
edge	لبه - کناره	sheer	صرف - مطلق
efficiency	اثر بخشی - کارآمدی	shell	پوسته - لایه خارجی
elaborate (v)(adj)	توضیح دادن - کامل	shield	سپر - محافظت کردن
elastomeric	پولیمر قابل ارتجاع یا کشند	short(ed)	اتصال کوتاه شدن (شده)
electric furnace	کوره برقی	short-lived	زود گذر - کوتاه مدت
electric storm	طوفان رعد و برق	shrink	کوچک شدن
electrical appliances	وسایل برقی	shuffle	مالیدن - مالش دادن روی
electro-migration	حرکت یا انتقال الکترون ها	shunt	موازی - فرعی
electromotive force	نیروی محرکه برقی	shunt wound	سیم پیچ موازی
elevate	بالا بردن - افزایش دادن	sighting distance	حوزه دید - مسافت قابل مشاهده
elevated	افزایش یافته - بالا رفته	significant	مهم - قابل توجه
elevator	آسانسور	signify	بیانگر بودن - نشان دادن
eliminate	حذف کردن	silver	نقره ای
emanate	ساطع شدن - ناشی شدن	simultaneous	هم زمان
emanating from	ناشی از	sinusoidal	سینوسی
embrace	درب گرفتن	sliding arm	اهرم (کلید) متحرک (غزنده)
emit	منتشر کردن - پرتاب کردن	slightly	کمی - تا حدی

employ	پ کارگرفتن - استفاده کردن	slip	لغزش - نقص
emulsion	مخلوط - ترکیب قابل تجزیه	small ratings	مقادیر کم
enamel	لعب (کاری)	smooth wave	موج صاف
encoder	کد گذار	snubber	مدار ضربه گیر ولتاژ
encompass	درببر گرفتن	solar radiation	تابش - تشعشع خورشیدی
energy source	منبع انرژی	solid	جامد
energy state	حالت انرژی	solid state	حالت جامد
energy-inefficient	کم راندمان - بدون بازدهی	solubility	خاصیت حل شوندگی
engineering developments	پیشرفت های مهندسی	solution	۱- محلول ۲- راه حل
enormous	عظیم - خیلی بزرگ	sophisticated	پیچیده - پیشرفته
ensure	تضمین کردن - مطمئن شدن	source	منبع
environment	محیط - پیرامون	space flight	سفر فضایی
equal	برابر - مساوی	space station	ایستگاه فضایی
equation	معادله	spark	جرقه
equipment	تجهیزات	special	مخصوص - ویژه
erosion	فرسایش	specialized	تخصصی شده
establish	تاسیس کردن - راه اندازی کردن	specialty	تخصص
etch	حکاکی - نقش زدن روی	specific characteristics	ویژگیهای خاص
even harmonics	هارمونیک یکنواخت	specification	مشخصات
eventually	در نهایت - سرانجام	specifics	جزئیات
evolutionary design	طراحی تکاملی (تدریجی)	spectrum	طیف
evolve	به تدریج کامل شدن	spike	ضربه یا تکانه ولتاژ
exceed	فراتر رفتن از	splice	متصل کردن - به هم بافتن
except for	به غیر از	square	۱- مربعی ۲- توان دوم
excess	اضافی	stack machine	دستگاه دسته بندی
excess energy	انرژی مازاد	stainless	ضد لکه
excess flow	جریان مازاد	standard deviation	انحراف معیار
excitation	تحریک - فعال سازی	state	توضیح دادن - حالت - وضعیت
exclude	حذف کردن - مستثنی کردن	static	ثابت - بی حرکت
execute	اجرا کردن	stationary	ثابت - بی حرکت
exert	اعمال کردن	statistical characterization	توصیف آماری
exhibit	نشان دادن	steady	یکنواخت
exotic	عجیب - غیر عادی	steam-driven	دارای موتور بخار
expansion	توسعه - انبساط	stencil printing	چاپ استنسیل
expel	بیرون راندن	step-up transformer	ترانسفورماتور فزاینده
expense	هزینه - قیمت	stop-band	باند توقف
experiment	آزمایش	storage capacity	گنجایش ذخیره سازی
exploit	به کار گرفتن - استثمار کردن	storage medium	وسیله ذخیره سازی
explore	کاوش کردن - جستجو کردن	storage-system	سیستم ذخیره سازی
explosive	انفجاری	strand	لایه - رشته
extend	ادامه دادن - طولانی کردن	stray capacitance	ظرفیت خازنی سرگردان
extensively	به طور گسترده	stream	جریان - مسیر عبور
extract energy	استخراج انرژی - دریافت انرژی	strenght	نیرو - قدرت - توان
extracted	استخراج شده - دریافت شده	strike	برخورد کردن - ضربه زدن

extra-pure	فوق خالص	subject to	در معرض - تحت تاثیر
extraterrestrial	فرا زمینی	submarine	زیر دریایی
extreme	شدید - حاد - خیلی زیاد	submerge	به زیر آب بردن
extrinsic	خارجی	submerged body	جسم غرق شده
fabrication	تولید - ساخت	substantial	مهم - قابل توجه
failure	عیب - خطا - نقص	subtract	کم کردن - تفریق کردن
fault	خطا	successive	پی در پی
faultless	بی عیب و نقص	sudden crash	تصادف ناگهانی
feasible	ممکن - امکان پذیر	suffer	رنج بردن - مبتلا بودن
feature	ویژگی	suffice	کافی بودن
ferro-resonant	تعدیل کننده ولتاژ	sufficient	کافی
field	زمین - میدان - حوزه	suggest	پیشنهاد دادن
field of detection	حوزه یا محدوده ی تشخیص یا آشکارسازی	suit	مناسب بودن
filament	رشته (لامپ) - افروزه	superimpose	روی چیزی قرار گرفتن
fill up	پر کردن - اشغال کردن	supervision	نظارت
final orbit	آخرین دوران - مدار بیرونی	supply (ies)	تهیه کردن - امکانات
fine abrasive	ماده ساینده ظریف	supply rail	ریل یا مسیر تغذیه
flame detector	آشکار ساز شعله / آتش	suppress	پارازیت - بازداشتن
flashlight	چراغ قوه	surface	رویه - سطحی - سطح
flexibility	انعطاف پذیری	surge	افزایش ناگهانی
flow	جریان - جریان داشتن	surge protector	محافظ ولتاژ
fluctuate	نوسان داشتن - تغییر کردن	surpass	بهتر بودن از
fluctuating current	جریان نوسان دار	surround	احاطه کردن - در برگرفتن
fluid	مایع	surrounded	احاطه شده
fluid level	سطح مایع	sustained oscillation	نوسان پایدار
flux	گردش - جریان	synchronization	همزمان سازی
fly-back convertor	مبدل بازگردان	synchronize	هم گام / زمان کردن
folded	تا شده - چین خورده	synchronous	همزمان شده - همگام
formerly	قبلاً - سابقاً	tachogenerator	دورسنج الکتریکی
forward	مستقیم	tachometer	دورسنج - سرعت سنج
four-sided	چهار ضلعی	tailor	متناسب ساختن
frictional	اصطکاکی - مالشی	take up space	جا اشغال کردن - جا گرفتن
frustrating	ناراحت کننده - نامطلوب	tandem sorter	سورت رجفت
full bridge	تمام پل - کامل	target	هدف
full-featured	کامل - بی عیب	target object	شیء هدف
functionality	قابلیت - کارایی	telecommunications	مخابرات
functionalized surface	سطح تخصصی شده	telephone exchanges	مکالمات تلفنی
fundamental	اساسی - ضروری - پایه	teller machines	دستگاه خودپرداز
fuzzy	مبهم - گنگ - تار - پرزدار	tendency	تمایل - گرایش
galvanic cell	باتری شیمیایی	the Holy Grail	چیزی که تمایل شدید به داشتن آن وجود داشته باشد
gap	شکاف - فاصله - سوراخ	thermal	گرمایی - دمایی
gas-cooled	خنک شونده توسط گاز	thermosetting	سخت شونده در برابر گرما
gauge	پیمانه ، سنج ، درجه ، اندازه	thin coat	روکش نازک
generate	تولید کردن	threaded bushing	بوشن قلاویز شده

generation	۱- تولید ۲- نسل	thrust	پرتاب- فشار
generative	زایا - تولید کننده	tight	محکم- سفت- بسته شده
geothermal energy	انرژی حرارت مرکزی زمین	tight coil	سیم پیچ محکم
give out	فرستادن- متسع کردن	tighten	محکم کردن- بستن
Global Positioning System	سیستم مکان یاب جهانی	to some extent	تا حدی
glove(s)	دستکش	tolerate	تحمل کردن
gold-plated	دارای روکش طلا	tools	ابزار
grating formation	تشکیل شبکه	topology	مکان شناسی
grid	شبکه	torque	گشتاور
ground antenna	آنتن زمینی	torque source	منبع گشتاور
grounded	ثابت شده- زمینی	total (v)	جمع زدن- بالغ شدن بر
hair-thin	به باریکی مو	totally	به طور کلی- کامل
half-bridge	نیم پل یا یک طرفه	touchless switch	کلید بدون تماس
handle	دست کاری کردن- کنترل کردن	toxic	سمی
harden	سخت کردن	tradeoff	تعویض- جایگزینی
hence	در نتیجه	transformative	قابل تغییر، قابل تبدیل
hermetically sealed	به طور کامل ضد نفوذ شده یا آب بندی شده	transceiver	(فاکس و رادیو) گیرنده و فرستنده
high-precision	با دقت بالا	transfer	انتقال دادن- فرستادن
hint	راهنمایی- نکته	transformer	ترانسفورماتور
hoist	بالابر- بالا کشیدن	transient	کوتاه مدت- زودگذر
hold in place	در مکان قرار دادن	transmit	ارسال کردن
host computer	کامپیوتر میزبان/سرور	transmitter	فرستنده
housing	محل نصب	transparent	شفاف
humidity sensor	سنسور رطوبتی	transportable	قابل حمل
hybrid	پیوندی- مختلط	transverse cracks	شکاف های عرضی
hydroelectric	آبی برقی	tremendous impact	تاثیر بسیار زیاد
hypothesis	فرضیه	trend	روند- گرایش- رویکرد
identical	مشابه- یکسان	triac	ترایاک- تریود تغییر دهنده جریان
identify	شناساندن-شناختن	triangular	مثلثی- سه گوش
idle	بی حرکت- خاموش- ساکن	trigger	فعال کردن- تحریک کردن
idler wheel drive	رانش از طریق زنجیر چرخ	trimmed	کوتاه شده- تنظیم شده
ignition system	سیستم احتراق	triplet state	سه وضعیتی
ill-posed problem (96)	مشکلی که به طرز نادرست عنوان شده است	trolley	اتوبوس برقی و تراموا
illumination	درخشندگی- روشنایی	true potential	پتانسیل حقیقی
image	تصویر	turbine	توربین
impedance	امپدانس	turn out	ظاهر شدن- پدیدار شدن
impedance conversion	تبدیل امپدانس	twist into	پیچیدن و تبدیل شدن به
implant	کاشتن- پیوند زدن- القا کردن	typical	نوعی- معمولی
implement	اقدام کردن- اجرا کردن	typical home	خانه معمولی- خانه عادی
implemented	اجرا شده	typical slip	جابجایی/لغزش معمولی
import	وارد کردن	typically	معمولاً

impractical	غیر عملی - غیر قابل انجام	ultrasonic machining	تراشیدن با امواج فراصوت
improved	پیشرفته - بهبود یافته	unabated	بدون وقفه
impurity	ناخالصی	unaffected	بدون تاثیر پذیری
in a sense	به نوعی - به گونه ای	unattended	بدون مراقب یا متصدی - خودکار
in conjunction with	همگام با	unattended devices	وسایل خودکار
in contrast to	در مقایسه با - برخلاف	unavoidable	غیر قابل اجتناب
inaccessible	غیر قابل دسترسی	unfold	باز کردن - آشکار کردن
inadequate	ناکافی	unimpeded	بدون وقفه
incandescent	تابان	universally	عموماً
inconspicuous	نامعلوم - نامرئی	unprecedented	بی سابقه
incorporate	دربر گرفتن	unprotected	بدون محافظ - محافظت شده
indefinitely	به طور نامعلوم	unwanted power	توان/انرژی ناخواسته
indication	علامت - نشانه	upwards	به سمت بالا
indicator	شاخص	utility companies	شرکت های توزیع برق
individual	۱- مجزا ۲- شخصی	utilizable	قابل استفاده - مصرفی
inductor	القاگر	vacuum tube	لامپ خلاء
industrial	صنعتی	valence electron	الکترون آزاد
industrialized	صنعتی شده	valid	معتبر
inert gas	گاز خنثی	value	۱- ارزش ۲- مقدار
inevitably	به طور حتمی - به طور اجتناب ناپذیر	valveless	بدون والف - یکسره
inexpert	غیر متخصص - ناوارد	vaporize	بخار شدن
infinite	بی نهایت - نامحدود	variable	متغیر
infinite gain	بهره نامحدود	variac	ترانسفورماتوری که شبکه بندی اولی و ثانوی آن دارای سیم پیچی مشترک است - خود مبدل
infrared	مادون قرمز	variation	تغییر
inhomogeneous	ناهمگون	varied applications	کاربردهای گوناگون
initial	اولیه - ابتدایی	variety	تنوع - گوناگونی
initial costs	هزینه های اولیه	various	گوناگون - متنوع
inner cell top	در پوش داخلی پیل	vast	وسیع - گسترده
innovation	نوآوری - اختراع	vehicle	وسیله نقلیه موتوری
inspection	نظارت - بررسی	velocity	سرعت
instability	ناپایداری	vent	خروجی - دریچه
instead of	به جای	venturi tube	لوله ونتوری
instruction	دستور العمل	versatility	ناپایداری - انعطاف پذیری
instrumentation	ابزار دقیق	vessel	مخزن - کشتی
insulator	عایق	via	به وسیله
integral to	جانبی - وابسته به - داخلی	vice versa	برعکس
integrated circuit	مدار مجتمع	virtual memory	حافظه مجازی
integration	تجمع - تلفیق	virtually	تقریباً - واقعاً - عملاً - مجازاً
intensity	شدت	visible	مرئی
intensive	فشرده	visualize	تصور کردن - به تصویر کشیدن
interface	فاصل - رابط میان جی	volatility	ناپایداری - تغییر پذیری

interference	تداخل - اختلال	voltage divider	مقسم ولتاژ
intermittently	به طور منقطع - به طور متناوب	voltage drop	افت ولتاژ
intermolecular forces	نیروهای بین مولکولی	voltage spike	ضربه ولتاژ سریع
internal surface	سطح داخلی	voltage surge	افزایش ولتاژ
interruption	قطع	wafer	لایه
intersecting waves	امواج متقاطع	warfare	جنگ افزار
intrinsic	داخلی - ذاتی	water supplies	منابع آب - ذخایر آبی
intrinsic properties	ویژگیهای ذاتی	wavelength	طول موج
introduce	عرضه کردن	wavelet	موج ضربه ای کوچک
introduction	۱- عرضه ۲- معرفی	weakening battery	باطری در حال ضعیف شدن
intrusion detector	اشکار ساز ورود/ نفوذ- دزدگیر	weir	سد
inventive	خلاق - مخترع - نوآور	welder	جوشکار
inventory	فهرست	winding	سیم پیچ
juice extractor	آب میوه گیری	wing-like	پره یا بال مانند
		withdraw	پس زدن - عقب کشیدن
		withstand	مقاومت/ تحمل کردن
		work-piece	قطعه کاری
		wrench	آچار فرانسه
		wrong signals	سیگنال های خطا
		zinc	روی